

## تحلیلی گفتمان‌شناختی بر طیف‌های نقشی گفتمان‌نماها در نقد ترجمه: کاربردهای آموزشی و پژوهشی در مدیریت گفتمان<sup>۱</sup>

علی محمد محمدی<sup>۲</sup>

رحیم دهقان<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۲

نوع مقاله: پژوهشی

### چکیده

نقش‌های منظورشناختی قدرتمند و گوناگون گفتمان‌نماها، معنای واژگانی آن‌ها را در گفتمان بی‌اعتبار می‌کند. نتیجه این فرایند، حساسیت گسترده این عناصر گفتمانی در پیوند با متغیرهای بافتی است. نقش‌ها و راهبردهای دقیق گفتمان‌نماها فقط در چارچوب هدف‌های ارتباطی خلاق، آشکار می‌گردد. بنابراین، به باور پژوهشگران، بررسی نقش‌گرایانه آن‌ها در بافت اجتماعی، کاربردی‌ترین روش مطالعه آن‌هاست. مبانی معرفت‌شناختی این پژوهش توصیفی، کیفی و اکتشافی مشتمل بر تحلیل دیدگاه‌های پژوهشگران به نام و تجزیه و تحلیل منظورشناسانه پیکره خلاق و پیچیده متون نقد ترجمه است. این پژوهش با بهره‌گیری از الگوهای گفتمان‌شناختی فریزر (Fraser, 2006) و برنتن (Brinton, 1996) به تجزیه و تحلیل طیف‌های گوناگون نقشی گفتمان‌نماها در متن‌های نقد ترجمه، طی سه دهه و بر پایه نمونه‌برداری تصادفی خوشه‌ای پرداخته‌است.

<sup>۱</sup> شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2020.31052.1862

<sup>۲</sup> دکترای تخصصی زبان‌شناسی کاربردی، استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه اراک (نویسنده مسئول)؛ a-

mohammadi@araku.ac.ir

<sup>۳</sup> مربی گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه اراک؛ r-dehghan@araku.ac.ir

در این پژوهش، الگوی طیف نقشی شش‌وجهی مدیریت گفتمان در حوزه نقد ترجمه کشف گردید که پیش‌تر در کتاب‌های دستور و فرهنگ‌لغت‌ها بحث نشده و از دستاوردهای این مقاله هستند. یافته کاربردی پژوهش حاضر این است که معنای گزاره‌ای گفتمان‌نماها در نتیجه فرایند کاربردی‌شدگی به شدت تغییر می‌یابد؛ دارای نقش‌ها و رفتارهای منظورشناختی می‌گردد؛ و سرانجام طیف نقشی چندگانه تعاملی گفتمان‌نماها را به وجود می‌آورد. این طیف نقشی، تحت تأثیر استنباط‌های پیچیده و خلاق قرار گرفته و همیشه در حال دگرگونی، تحول و گسترش است. در پایان، کاربردهای گوناگونی نیز تحلیل و پیشنهاد گردید.

**واژه‌های کلیدی:** طیف‌های نقشی، گفتمان‌نماها، نقد ترجمه، کاربردی‌شدگی

## ۱. مقدمه

گفتمان‌نماها<sup>۱</sup> کارآمدترین، اصلی‌ترین، پرکاربردترین، خلاق‌ترین و از جنبه ظاهری ساده‌ترین عنصرهای منظورشناختی در حوزه گفتمان هستند (Faghih Malek Marzban, 2008; Hoseini, 2000; Mohammadi, 2015; Sayadkooh, & Reisi, 2017). این عناصر گفتمانی با ترکیب همپایه‌سازها، قیدها، فعل‌ها، حروف اضافه و ربط-از یک سو و فعالیت‌های نقش‌گرای گفتمان‌مدار-تولید، توزیع، و بهره‌برداری از گفتار-از سوی دیگر در خدمت مدیریت گفتمان هستند (Dagand, & Cuenca, 2019; Fraser, 2006; Maschler & Schiffrin, 2015). تلاش گوینده/نویسنده برای ایجاد رابطه بین واحدهای گفتمان در فرایند آفرینش گفتمان و کوشش مخاطب برای کشف این رابطه به کمک گفتمان‌نماها در فرایند درک گفتمان را مدیریت گفتمان می‌نامند (Matei, 2010; Mohammadi, 2015; Schiffrin, 1987; Trillo, 2002).

این مطالعه توصیفی و کیفی بر آن است تا نظام مدیریت گفتمان در نقد ترجمه را بر پایه واکاوی متون نقد ترجمه کشف نماید. برای دستیابی به این هدف، نخست لازم است گفتمان‌نماها و نوع آن‌ها را در این متن‌ها به شکلی عینی مشخص نماییم. مرحله دوم تعیین نقش منظورشناختی گفتمان‌نماهاست که بخش اصلی نظام مدیریت گفتمان را تشکیل می‌دهد. نتیجه بررسی و معرفی گفتمان‌شناختی و نقش‌گرایانه گفتمان‌نماها در بافت کاربردی متن می‌تواند زمینه تولید و گسترش دانش، افزایش تجربه، و آموزش مهارت در حوزه مدیریت گفتمان را فراهم کند. به این معنا که نتایج و یافته‌های این مطالعه در خدمت تصمیم‌سازی در حوزه‌های مختلف آموزشی

<sup>1</sup> discourse markers

و پژوهشی خواهد بود. همچنین، تاکنون چنین پژوهشی در حوزه طیف‌های نقشی گفتمان‌نماها در گفتمان منتقدین ترجمه از رویکردی گفتمان‌شناختی برای معرفی مدیریت گفتمان منتقدین ترجمه به زبان فارسی انجام نشده است. بر این مبنای، این موضوع در نشست‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و مهم کشور مورد بررسی قرار نگرفته است. بنابراین، این پژوهش با رویکردی توصیفی و تحلیلی و بر مبنای نظریه انسجام شفرین (Schiffrin, 1987, 2006) در پژوهش‌های گفتمان‌نماها، و با بهره‌گیری از الگوی گفتمان‌نمای فریزر (Fraser, 2006) و الگوی نقش‌نمای بریتن (Brinton, 1996, 2015) بر آن است تا با توصیف کارکردها، ویژگی‌ها، و طیف‌های گوناگون نقش منظورشناختی گفتمان‌نماها در متون نقد ترجمه را کشف کند. سرانجام برآنیم تا در مقاله حاضر به معرفی نظام مدیریت گفتمان در این متون بپردازیم. بر پایه تحلیل دیدگاه پژوهشگران (Crible & Pascal, 2020; Dagand & Cuanca, 2019; Kassaei & Amoozadeh, 2020; Sami, 2019) فرض مطالعه حاضر بر این است که این عناصر گفتمانی با برآوردن نقش‌های گوناگون، در خدمت مدیریت گفتمان منتقدین هستند. این پژوهش در پی یافتن پاسخ به این پرسش‌های توصیفی است: نخست اینکه، منتقدان در نقد ترجمه گفتمان‌نماها را در چه نقش منظورشناختی مورد استفاده قرار داده‌اند؟ دوم آنکه، پرکاربردترین نقش‌های منظورشناختی گفتمان‌نماها در متون نقد ترجمه کدام‌اند؟

## ۲. بررسی‌های پیشین

### ۲.۱. پژوهش‌های نظری

در گستره مطالعات گفتمان‌نماها، نظریه‌های فراگفتمان (Hyland, 2005)، انسجام (Schiffrin, 1987)، و ارتباط (Redeker, 2006) ارائه شده‌اند. در تعریف گفتمان‌نماها، فریزر (Fraser, 2006, p.191) بیان می‌کند:

گفتمان‌نماها واژه‌هایی مستقل هستند که شامل حروف ربط و اضافه، قیود و افعال می‌شوند، در ابتدای گفتار قرار می‌گیرند، پیام خاصی را القاء می‌کنند، و بر اساس نقش‌های منظورشناختی طبقه‌بندی می‌شوند. این عناصر گفتمانی بین بخش‌های مختلف گفتمان مثل دو جمله دارای پیام کامل قرار گرفته و یکی از روابط توصیف، تضاد، استنباط، و توالی (علی/ زمانی) را نشان می‌دهند.

به باور ماشلر و شفرین (Maschler & Schiffrin, 2015) گفتمان‌نماها به برآوردن نقش‌های گوناگون در حوزه‌های شناختی، بلاغی، اجتماعی، و متنی در ارتباطات انسانی می‌پردازند. این موضوع را برای نخستین بار شفرین (Schiffrin, 1987) مطرح نمود. او تحلیل

نقش آن‌ها را اولویت مطالعات می‌انگارد. این نقش‌ها مشتمل اند بر الف) نقش اندیشگانی-ایجاد رابطه بین گزاره‌ها مانند رابطه انسجامی، موضوعی، و نقشی، ب) نقش کنشی-مدیریت و تشخیص استفاده مناسب و بجا از کنش‌های گفتاری، ج) نقش تبادل نوبت-مدیریت و سازمان گرفتن، دادن، و حفظ نوبت، د) ارائه اطلاعات. افطون بر این، به باور جاکر و زیو (Jucker & Ziv, 1998) گفتمان‌نماها در نقش ابزار مدیریت متن عمل کرده و به معرفی آغاز یا پایان واحدهای گفتمان و یا حرکت و تغییر بین آن‌ها می‌پردازند. همچنین این عناصر گفتمانی در خدمت نشان دادن نگرش فرد، مقاصد او، روابط گوناگون در متن و تعیین نحوه پردازش و تفسیر متن هستند. موارد مورد اشاره، جنبه‌های گوناگون گفتار را تشکیل می‌دهد و گفتمان‌نماها در کانون این فرایند مدیریت و سازماندهی گفتمان افراد قرار دارند.

در تعریف گفتمان‌نماها، بریتن (Brinton, 1996) آن‌ها را عناصری منظورشناختی به شمار آورده و نقش آن‌ها را به دو گروه دسته‌بندی می‌کند: نقش متنی و بینافردی. او معتقد است که چون گفتمان‌نماها دارای بعدهای گوناگونی هستند، تجزیه و تحلیل، طبقه‌بندی، و معرفی آن‌ها باید بر اساس طیف نقش‌های آن‌ها در بافت متن باشد نه بر اساس مسائل نحوی و معنای واژگانی. همچنین، پتخوا و بانت (Petkhova & Bant, 2009) نقش‌های پنجگانه‌ای برای گفتمان‌نماها معرفی می‌نمایند که از این قرارند: الف) فرد از گفتمان‌نماها استفاده می‌کند تا فرصت درنگ، اصلاح، و تکرار را داشته باشد، ب) به کمک گفتمان‌نماها فرد در صدد گرفتن نوبت بر می‌آید، ج) گفتمان‌نماها به معرفی ویژگی‌های فرد از نظر سن، لهجه، و طبقه اجتماعی وی می‌پردازند، د) استفاده از گفتمان‌نماها در گفتگو نماد گفتار طبیعی، دوستانه، و صمیمی بوده و بیشتر برای کمک به مخاطب و جلب توجه وی استفاده می‌شوند، ه) گفتمان‌نماها برای نشان دادن نگرش نسبت به موضوع به صورت مودبانه استفاده می‌شوند.

## ۲.۲. پژوهش‌های تجربی

مطالعات تجربی در گستره گفتمان آموزشی و نگارش انجام شده‌اند. کاسترو (Castro, 2009) در بررسی نقش گفتمان‌نماها به این نتیجه می‌رسد که در زبان گفتاری معلمان زبان و زبان آموزان، گفتمان‌نماها دارای نقش‌های متعدد متنی و بینافردی می‌باشند. همچنین، مطالعه نژادانصاری و محمدی (Nejadansari & Mohammadi, 2014) نشان داد که مدرسان زبان و زبان آموزان از نقش‌های بینافردی گفتمان‌نماها در تعاملات خویش نیز استفاده می‌نمایند. ولی این افراد هیچکدام از نقش‌های متنی را استفاده نمودند و علت تفاوت نتایج این مطالعات تحت تاثیر مسایل

فرهنگی است. چون بخشی از کنش‌های فرد در این حوزه به دانش فرهنگی مرتبط است (Matei, 2010; Schiffrin, 1987). همچنین، مطالعه مانان و راسلی (Manan & Raslee, 2018) در گستره نگارش نشان داد که آموزش گفتمان‌نماها موثر بود. تحلیل ضیاقدم و سیمین (Ziaghadam & Simin, 2018) در نگارش دانشجویان حاکی از کاربرد گفتمان‌نماهای زبان گفتاری در نگارش بود. مطالعه آدیمی (Adeyemi, 2018) به این نتیجه رسید که بیش از ۸۰٪ دانشجویان درک درستی از کاربرد گفتمان‌نماها نداشتند. آزادی و چالاک (Azadi & Chalak, 2017) به این نتیجه رسیدند که دانشجویان با سطح زبان پیشرفته گفتمان‌نماهای کلان استفاده کردند و دانشجویان با سطح زبان متوسط از گفتمان‌نماهای خرد. افزون بر این، زورلول و ارکان (Zorluel & Okan, 2018) و عبدالخانی و علی پور (Abdolkhani & Alipour, 2015) در تحلیل کاربرد گفتمان‌نماها تفاوت معناداری را در توزیع فراوانی گفتمان‌نماها کشف نمودند. توکلی و کریم نیا (Tavakoli & Karimnia, 2017) در مطالعه خود دریافتند که گفتمان‌نماهای واو، اما، زیرا، اتفاقا، و البته از بیشترین توزیع فراوانی در نگارش دانشجویان برخوردار بودند. بنابراین، با توجه به مباحث و مطالعات نظری و تجربی تحلیل شده در این پیشینه و عدم وجود پژوهش نقش‌گرا در گستره متون نقد ترجمه، پژوهشگران حاضر به مطالعه توصیفی، کیفی، و اکتشافی این عناصر اقدام نمودند.

### ۳. روش پژوهش

روش این پژوهش<sup>۱</sup> ترکیبی از روش‌های کیفی و توصیفی است. کیفی است به دلیل اینکه داده‌ها برگرفته از بافت طبیعی کاربرد زبان اند و به روش تصادفی گردآوری شده‌اند. همچنین، برای پرهیز از سوگیری پژوهشی، از دو ارزیاب نیز استفاده شد تا روایی پژوهش در تشخیص و تبیین طیف‌های نقشی، و تحلیل و نتیجه‌گیری عینی داده‌ها تضمین گردد. افزون بر این، توصیفی است زیرا دارای پرسش پژوهشی، چارچوب نظری برای گردآوری داده‌ها، الگوی تحلیلی و بهره‌گیری از آمار توصیفی و استنباطی برای نمایش داده‌ها است (Seliger & Shohamy, 1989). در مرحله اجرا کل گفتمان‌نماها در پیکره با استفاده از فهرست گفتمان‌نمای فریزر (Fraser, 2006) علامت‌گذاری و تعیین شدند. فریزر چارچوبی را ارائه می‌کند که مناسب تشخیص گفتمان‌نماها در متن‌های نوشتاری است و گفتمان‌نماها را به چهار گروه تضاد، توصیف، استنباط، و توالی دسته‌بندی می‌کند. سپس، طیف رفتارها و نقش‌های گفتمان‌نماها با استفاده از

<sup>۱</sup> بخشی از طرح پژوهشی در دانشگاه اراک انجام شده است. با سپاس از حمایت‌های معاونت پژوهشی دانشگاه اراک

الگوی نقش‌نمای بریتن (Brinton, 1996) تحلیل و مشخص شدند. دلیل انتخاب الگوی بریتن جامعیت جنبه نظری آن است و تقریباً در تحلیل تمام ابعاد نقش‌گرای زبان کارایی دارد. به سبب اینکه او با استفاده از دیدگاه نقش‌گرای هلیدی، نقش‌های گفتمان‌نماها را به دو گروه متنی و بینافردی طبقه‌بندی می‌کند. نقش‌های متنی مشتمل اند بر آغاز و پایان کلام، دادن، گرفتن، و حفظ نوبت، اطلاع‌رسانی، تغییر موضوع، توالی، اصلاح، پاسخ، عکس‌العمل، بیان نظر. نقش‌های بینافردی نیز مشتمل بر همکاری، صمیمیت، اثبات، نشان دادن درک و فهم، تأیید، گرفتن حالت دفاعی، و حفظ وجهه هستند.

همچنین، برای اثبات پایایی و اعتبار<sup>۱</sup> تحلیل نقش‌های گفتمان‌نماها پژوهش، به کارگیری رویکردی عینی در تحلیل رفتارهای منظورشناختی گفتمان‌نماها، و نشان دادن اعتبار علمی یافته‌ها، تعداد ۵۰۷ نمونه از مثال‌های گفتمان‌نماها، نزدیک به ۵۰ درصد کل پیکره، به دو ارزیاب تحویل داده شد (معمولاً ۲۰ درصد به ارزیاب داده می‌شود ولی در این مطالعه حدود ۵۰٪ است). ارزیاب‌ها از فارغ‌التحصیلان رشته آموزش زبان انگلیسی انتخاب شدند. نخست، به دلیل اینکه، پایان‌نامه آنان در حوزه مطالعاتی تحلیل نظام گفتمان‌نماها در متون مکتوب بود. دوم آنکه، هر یک از آن‌ها تجربه و سابقه ارزیابی پیکره‌های پژوهشی دو رساله دیگر را نیز در این حوزه را داشتند. بنابراین، دارای دانش، تجربه، و مهارت کافی در این حوزه مطالعاتی بودند.

پیکره پژوهش بیش از ۳۰۰۰۰ هزار واژه است که از نقدهای ترجمه چاپ‌شده در بازه زمانی سی ساله در دهه‌های ۷۰، ۸۰ و ۹۰ در مجله مترجم بر اساس نمونه‌برداری تصادفی خوشه‌ای فرهادی (Farhady, 2009) انتخاب شد. از هر دهه ۱۵ نقد ترجمه به صورت تصادفی انتخاب گردید. سپس، در انجام پژوهش، از هر دهه یک سوم نقدها (۱۵ نمونه) به شکل تصادفی برای تجزیه و تحلیل انتخاب شدند. دلیل انتخاب پیکره از مجله مترجم این است که نخست، سابقه سی ساله‌ای در این حوزه داشته و نقدهای منتشرشده در آن در محافل علمی و آموزشی کشور دارای جایگاه علمی و حرفه‌ای قابل قبولی است. دوم آنکه، شغل بیشتر منتقدین نیز (Fani, 2009; Farhady, 2015; Hoseini, 1992; Jafarpor, 1995; Khazaeefar, 1994, 1995, 2005a, 2005b, 2005c, 2005d; Kosari, 1995, 2016; Naderi moghaddam, 2011; Salari, 2012; Salehi, 2013) تدریس در دانشگاه (۷۵٪) و ترجمه حرفه‌ای (۲۵٪) بود. اطلاعات بیشتر در جدول‌های (۱) و (۲) ارائه شده‌است.

<sup>1</sup> reliability

#### ۴. یافته‌ها و بحث و بررسی

در بخش (۴-۱) یافته‌ها گزارش می‌شوند. سپس، در بخش (۴-۲) به بحث و بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

##### ۴. ۱. یافته‌ها

برای دست‌یابی به پاسخ پرسش‌ها، طیف‌های نقشی گفتمان‌نماها از جنبه نوع و توزیع فراوانی آن‌ها در متن‌های نقد ترجمه به زبان فارسی تجزیه و تحلیل گردید. بر پایه جدول‌های ۱ تا ۵، در این پژوهش یک الگوی شش‌وجهی طیف نقشی برای گفتمان‌نماها کشف گردید (موضوع پرسش نخست). ابعاد این طیف نقشی مشتمل اند بر اطلاع‌رسانی<sup>۱</sup>، اعلان نظر<sup>۲</sup>، توالی<sup>۳</sup>، تغییر موضوع<sup>۴</sup>، آغاز<sup>۵</sup> و اتمام سخن<sup>۶</sup>. در نقش منظورشناختی اطلاع‌رسانی هر فرد به مخاطب خود اطلاعات جدیدی را ارائه می‌کند. در رفتار گفتمانی اعلام نظر فرد به ارایه دیدگاه خویش در موضوع گفتمان می‌پردازد. در سازوکار توالی افراد سلسله مراتب زمانی، مکانی یا علی پدیده‌ها در گفتمان را به نمایش می‌گذارند. در رفتار گفتمانی تغییر موضوع او موضوع گفتمان را تغییر داده و موضوع جدیدی را معرفی می‌کند. در راهبرد آغاز سخن شخص کلام خود را آغاز می‌کند و در اتمام سخن هم به وسیله جمله‌ای که در ابتدای آن یک گفتمان‌نما قرار دارد، کلام خود را به پایان می‌برد (Brinton, 1996, p. 36-39). از نظر پراکندگی فراوانی (موضوع پرسش دوم)، هر سه دهه از یک الگو پیروی می‌کنند و در هر سه دهه نقش اطلاع‌رسانی دارای پرکربردترین نقش گفتمانی است. جدول (۱)، درصد و توزیع فراوانی واژه‌ها، گفتمان‌نماها، نقش‌ها، و نمونه‌ها را نشان می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>1</sup> information indication markers

<sup>2</sup> attitude markers

<sup>3</sup> temporal markers

<sup>4</sup> topic switching markers

<sup>5</sup> opening markers

<sup>6</sup> closing markers

**جدول ۱: توزیع و درصد فراوانی همه واژه‌ها، گفتمان‌نماها، نقش‌ها و نمونه‌ها در پیکره**

تعداد کل	دهه ۹۰	دهه ۸۰	دهه ۷۰	ابعاد
۳۰۸۱۴	۱۲۵۴۷	۸۸۶۰	۹۴۰۷	توزیع فراوانی کل واژه‌ها
%۱۰۰	۴۰%/۷۱	۲۸%/۷۵	۳۰%/۵۲	درصد فراوانی واژه‌ها
۱۰۷۰	۳۸۷	۳۵۴	۳۲۹	توزیع فراوانی گفتمان‌نماها
۳%/۴۷	۳%/۱۰۸	۳%/۹۹	۳%/۴۹	درصد فراوانی گفتمان‌نماها
۱۰۴۸	۳۴۶	۳۶۴	۳۳۸	توزیع فراوانی نقش‌ها
%۱۰۰	۳۳%	۳۴%/۷۳	۳۲%/۲۵	درصد فراوانی نقش‌ها
۵۰۷	۱۷۹	۱۵۳	۱۷۵	توزیع فراوانی نمونه‌ها
۴۷%/۳۸	۴۷%/۳۵	۴۳%/۲۲	۵۳%/۱	درصد فراوانی نمونه‌ها

با توجه به اینکه ضریب همبستگی کمیت مشهوری است و میزان رابطه را نشان می‌دهد، نتیجه ۰/۶۱ ضریب همبستگی، عدد قابل قبولی هست و پایایی قابل قبول تحلیل کیفی رفتار منظورشناختی گفتمان‌نماها را در این پژوهش نشان می‌دهد. به این دلیل که این عدد در بازه به اضافه و منهای ۱ قرار دارد و به سمت عدد ۱ نزدیک‌تر هست پس یافته‌های ارزیاب‌ها و پژوهشگران همسو است (جدول ۲).

**جدول ۲: ضریب همبستگی مابین ارزیاب‌ها**

$X^2$	$Xy$	ارزیاب دوم y	ارزیاب اول x
169	143	11	13
49	35	5	7
64	96	12	8
$\sum x^2 = 274$	$\sum xy = 274$	$\sum y = 28$	$\sum x = 28$

$$b = \frac{3 \times 274 - 28 \times 28}{3 \times 274 - 784} = \frac{38}{62} = 0.61$$



#### ۴. ۱. ۱. گزارش نقش‌ها در دهه ۷۰

بر بر پایه جدول شماره ۳، در دهه ۷۰ رتبه نخست نقش‌ها متعلق به موضوع اطلاع‌رسانی در فرایند نقد ترجمه است. به این معنا که هر چهار گروه گفتمان‌نماهای معرفی شده در فهرست فریزر (۲۰۰۶)، در گفتمان منتقدان ترجمه ایرانی به کار رفته‌اند و روی هم رفته، ۱۰۸ مرتبه به ایفای نقش اطلاع‌رسانی پرداختند. ایفای نقش توالی با ۱۰۲ مورد در رتبه دوم قرار دارد. این دو حوزه تقریباً دارای فراوانی مشابهی هستند و تفاوت معناداری با هم ندارند. به این معنا که پژوهشگران این حوزه علوم انسانی در گفتمان نقد ترجمه خویش، اولویت را به ارائه اطلاعات و توالی-مدیریت سلسله مراتبی گفتمان- اختصاص داده‌اند.

با این وجود، تنوع طیف نقشی (جدول ۳) در حوزه توالی بیشتر از اطلاع‌رسانی بوده که مشتمل بر ۸۰٪ استفاده از انواع چهارگانه گفتمان‌نماهای تضاد، توصیفی، استنباطی، و توالی است. این تنوع در گستره اطلاع‌رسانی ۶۰٪ است و روی هم رفته بیشترین فراوانی و تنوع طیف نقشی متعلق به این دو حوزه مدیریت گفتمانی منتقدان ترجمه است. نقش اعلان نظر در جایگاه سوم است. گرچه از نظر توزیع فراوانی بیش از ۴۰٪ کمتر از دو حوزه پیشین است، ولی از جنبه گسترده‌گی کاربرد (۵۲٪) فقط ۸٪ کمتر از اطلاع‌رسانی است. این به آن معناست که منتقد حرفه‌ای نقد می‌بایست صاحب نظر باشد، در غیر این صورت نمی‌تواند با مخاطب ارتباط برقرار کند. بهره‌گیری از گفتمان‌نماها برای اتمام سخن در مرتبه چهارم قرار داشته و دارای تنوع ۴۸٪ است. در رتبه پنجم نقش تغییر موضوع با ۴۰٪ تنوع استفاده از گفتمان‌نماها قرار گرفته است. در مقایسه با موارد پیشین این نقش از فراوانی و تنوع کمتری برخوردار است. کمترین توزیع فراوانی و تنوع (۲۸٪) نیز به مسئله آغاز سخن تعلق گرفته است.

جدول ۳: نقش گفتمان‌نماها در نقد ترجمه در دهه ۷۰

نوع/نقش	توالی	تغییر موضوع	اطلاع‌رسانی	اعلان نظر	اتمام سخن	آغاز سخن	جمع کل
گفتمان‌نماهای معرف تضاد							
۱. اما/ولی/باری	۵	۱۷	۴	۹	۷	۱	۴۴
۲. گرچه/با این حال/هر چند	۱	۲	۴	۶	۰	۰	۱۳
۳. به(در) هر حال/در حالی که	۰	۱	۲	۰	۰	۰	۴
۴. با اینکه/حال آنکه/به جای آنکه	۳	۱	۵	۲	۱	۱	۱۲
۵. و گرنه/در عین حال/هنوز	۲	۱	۱	۱	۰	۰	۵
۶. البته/در غیر این صورت	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۴
جمع کل گفتمان‌نماهای معرف تضاد	۱۲	۲۳	۱۸	۱۹	۸	۲	۸۲
گفتمان‌نماهای توصیفی							
۱. و	۵۲	۱	۴۱	۲۲	۷	۰	۱۲۳
۲. نیز/ضمناً/هم/همچنین/خصوصاً	۸	۰	۱۱	۰	۰	۰	۱۹
۳. دیگر/علاوه بر/افزون بر	۴	۴	۶	۰	۰	۰	۱۴
۴. یا/به عبارت دیگر/یعنی/به این معنی که	۵	۰	۴	۰	۶	۱	۱۷
۵. مثلاً/برای مثال/به عنوان مثال	۱	۰	۹	۰	۱	۰	۱۱
جمع کل نشانگرهای توصیفی	۷۰	۴	۷۰	۲۲	۱۴	۱	۱۸۴
گفتمان‌نماهای استنباطی							
۱. حاصل/در نتیجه/نتیجه این که	۳	۰	۰	۱	۱	۰	۵
۲. بدین ترتیب/پس/لاجرم/بنابراین	۳	۰	۰	۳	۷	۰	۱۱
۳. البته/در واقع/واقع این که/به یقین/به راستی/در حقیقت/اساساً	۱	۱	۱	۹	۲	۰	۹
۴. زیرا/به سبب/از آن جا که/چرا که/چون/با توجه به اینکه	۲	۱	۱۳	۵	۲	۲	۱۸
جمع کل گفتمان‌نماهای استنباطی	۹	۱	۱۴	۱۸	۱۲	۲	۴۹
گفتمان‌نماهای توالی							
۱. دست آخر/بالاخره	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۲
۲. حال/حالاً	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۲
۳. نخست/اول/ابتدا	۰	۰	۰	۰	۲	۳	۵
۴. ثانیاً/ثالثاً/سوم/سپس	۴	۰	۱	۰	۰	۰	۵
۵. در این جا	۳	۰	۰	۰	۰	۱	۴
۶. تا همین اواخر	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱
جمع کل گفتمان‌نماهای توالی زمانی	۱۱	۰	۱	۰	۳	۳	۱۹
جمع کل گفتمان‌نماها در دهه ۷۰	۱۰۲	۲۹	۱۰۸	۶۰	۳۶	۸	۳۳۸

جدول (۳)، نظام نقش‌های منظورشناختی گفتمان‌نماها را در این دهه نشان می‌دهد.

#### ۴. ۱. ۲. گزارش نقش‌ها در دهه ۸۰

بر پایه جدول (۴)، در دهه ۸۰ نیز بیشترین فراوانی نقش با ۱۵۱ مورد و در مقایسه با دهه ۷۰، با بیش از ۳۵٪ افزایش متعلق به حوزه اطلاع‌رسانی است. در این دهه نیز جایگاه دوم مربوط به اجرای نقش توالی و سلسله مراتب در گفتمان است. در موضوع گسترده‌گی کاربرد گفتمان‌نماها در گستره توالی و اعلان نظر به شکل مشابهی عمل نموده و نزدیک به نود درصد (۸۹٪/۴) گسترده‌گی کاربرد گفتمان‌نماها را به نمایش گذاشته‌اند و فقط تفاوت آن‌ها در توزیع فراوانی است. منتقدان ترجمه در ایران از یک الگوی گفتمانی مشابه طیف نقشی در مدیریت گفتمان خویش بهره گرفته‌اند. این موضوع نماد مدیریت خلاق، منطقی، و آگاهانه زمان، ایده‌ها، و افکار در گفتمان است. مانند دهه ۷۰، در این دهه نیز جایگاه سوم متعلق به نقش اعلان نظر است. تنوع نقش‌ها در استفاده از گفتمان‌نماها در این حوزه مدیریت گفتمان ۷۳/۶٪ است که نماد کنش علمی پژوهشگران و منتقدان در حوزه نقد ترجمه است. هر چند در این دهه بر خلاف دهه ۷۰، نقش تغییر موضوع در مرتبه چهارم قرار داشته و از تنوع پائینی (۲۱٪) برخوردار است. آغاز و اتمام سخن نیز با فراوانی مشابه در انتها قرار دارند. اتمام سخن دارای ۴۷/۳٪ و آغاز سخن هم از ۵/۳۱٪ تنوع استفاده از نشانگرها برخوردارند (جدول ۴).

جدول ۴: نقش گفتمان‌نماها در نقد ترجمه در دهه ۸۰

نوع / نقش	توالی	تغییر موضوع	اطلاع‌رسانی	اعلان نظر	انجام سخن	آغاز سخن	جمع کل
گفتمان‌نماهای معرف تضاد							
۱. اما/ولی	۴	۷	۱۵	۷	۱	۰	۳۴
۲. اگر چه /ولواينکه/با این حال	۰	۲	۲	۰	۰	۰	۴
۳. درحالی که/باوجود این که/حال اینکه	۱	۰	۲	۲	۰	۰	۵
۴. بلکه / حال اینکه/به حای آنکه	۰	۱	۴	۲	۰	۰	۷
جمع کل گفتمان‌نماهای معرف تضاد	۵	۱۰	۲۳	۱۰	۱	۰	۵۰
گفتمان‌نماهای توصیفی							
۱. و	۴۶	۰	۷۶	۲۰	۲	۲	۱۴۶
۲. نیز /کما اینکه/هم/همچنین	۲	۱	۵	۲۰	۰	۰	۸
۳. در این میان/علاوه براین/حتی	۱	۰	۴	۱	۰	۰	۶
۴. یا/به عبارت دیگر/یعنی / مثلاً	۱	۰	۱۸	۲	۳	۰	۲۴
۵. در واقع/البته	۸	۰	۷	۵	۳	۱	۲۴
جمع کل گفتمان‌نماهای توصیفی	۵۰	۱۹	۱۰۳	۱۹	۶	۳	۲۰۸
گفتمان‌نماهای استنباطی							
۱. زیرا/چون/برای این که/چراکه	۴	۰	۱۲	۳	۰	۰	۱۷
۲. به همین دلیل/از این نظر/به دلیل	۲	۰	۳	۵	۰	۰	۱۰
۳. در این صورت	۲	۰	۲	۰	۰	۰	۴
۴. بنابراین	۲	۰	۱	۱	۰	۱	۵
جمع کل گفتمان‌نماهای استنباطی	۱۰	۰	۱۸	۹	۰	۱	۳۶
گفتمان‌نماهای توالی							
۱. علت آخر/بالاخره/آخر/سرانجام	۴	۰	۰	۳	۲	۰	۹
۲. حال/حالا/در اینجا	۱۰	۰	۱	۰	۲	۰	۱۳
۳. نخست/اولا/اولین بار	۵	۰	۰	۰	۰	۹	۱۶
۴. ثانیاً/دوماً/بعد	۶	۰	۲	۰	۱	۲	۱۱
۵. پس از آن/سپس/اخیراً	۴	۰	۲	۲	۲	۲	۱۲
۶. به هر حال	۲	۰	۲	۲	۳	۰	۹
جمع کل گفتمان‌نماهای توالی زمانی	۳۳	۰	۸	۸	۱۰	۱۴	۷۰
جمع کل گفتمان‌نماها در دهه ۸۰	۹۶	۲۹	۱۵۱	۴۵	۱۷	۱۷	۳۶۴

جدول (۴)، نظام نقش‌های منظورشناختی گفتمان‌نماها را در دهه ۸۰ به نمایش می‌گذارد.

#### ۴. ۱. ۳. گزارش نقش‌ها در دهه ۹۰

در پیوند با توزیع فراوانی، هر سه دهه از یک الگو پیروی می‌کنند و در هر سه دهه بیشترین نقش‌های به کاررفته متعلق به مسئله اطلاع‌رسانی است. افزون بر این، در هر دهه نسبت به دهه پیشین شاهد افزایش فراوانی آن نیز هستیم. این نقش در دهه ۹۰ حدود ۱۰٪ افزایش را نشان می‌دهد. به این معنا که از ۱۴۰ مورد دهه ۸۰ به ۱۵۶ مورد در دهه ۹۰ افزایش یافته‌است. تنوع بهره‌گیری از گفتمان‌نماها در این دو بخش بسیار بالا است (۸۱٪/۸) که نماد خلاقیت در استفاده از نقش‌های گوناگون منظورشناختی در مدیریت گفتمان نقد ترجمه است. هر چند در این دهه، توزیع فراوانی نقش اعلان نظر به میزان بیش از ۵٪ به جایگاه دوم پیش رفته‌است. با این وجود از جنبه تنوع بهره‌گیری از گفتمان‌نماها (۵۴٪/۵) با کاهش حدوداً ۲۰٪ روبه‌رو شده‌است، پس از توالی و اطلاع‌رسانی قرار می‌گیرد. و در نتیجه از عمق وسیعی برخوردار نیست و منتقدان دهه ۸۰ از این منظر دارای کنش قوی‌تری بودند. نشان دادن توالی در جایگاه سوم قرار گرفته‌است ولی از جنبه تنوع بهره‌گیری از گفتمان‌نماها همانند موضوع اطلاع‌رسانی در جایگاه اول قرار دارد. ر واقع، منتقدان خلاقیت در مدیریت زمان و نشان‌دادن روابط را با بهره‌وری از تنوع گسترده‌ای از گفتمان‌نماها به نمایش گذاشته‌اند. به این معنا که از جنبه کیفیت دوباره، شایسته رتبه اول است. هر چند از نظر فراوانی با کاهش روبه‌رو شده‌است. نقش تغییر موضوع با تنوع ۳۱٪/۸ در رتبه چهارم است. همانند دهه ۸۰، نقش‌های آغاز و پایان سخن دارای کمترین میزان فراوانی و تنوع بهره‌گیری از گفتمان‌نماهای گوناگون هستند.

جدول ۵: نقش گفتمان‌نماها در نقد ترجمه در دهه ۹۰

نوع نقش	توالی	تفسیر موضوع	اطلاع‌رسانی	اعلان نظر	انتم‌سخن	آغاز سخن	جمع کل
گفتمان‌نماهای معرف تضاد							
۱. اما/ولی/باری/در واقع	۲	۹	۲۰	۲۵	۳	۴	۶۲
۲. اگر چه/حال آنکه/با این حال	۲	۳	۱	۵	۰	۰	۱۰
۳. در حالی که/اتفاقاً/در صورتی که	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۳
۴. با وجود اینکه/با اینکه/به هر حال	۰	۰	۱	۲	۰	۰	۳
۵. متقابلاً/از سوی دیگر	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۲
جمع کل گفتمان‌نماهای معرف تضاد	۴	۱۳	۲۴	۳۳	۳	۵	۸۰
گفتمان‌نماهای توصیفی							
۱. و	۲۶	۰	۷۳	۱۶	۳	۰	۱۱۸
۲. نیز/هم/همچنین/به خصوص	۱	۱	۸	۱۰	۰	۰	۲۰
۳. باز/به علاوه/وانگهی/به همین سان	۱	۱	۱۲	۱	۰	۰	۱۵
۴. یا/یعنی/آن اینکه	۰	۰	۵	۱	۰	۰	۶
۵. مثلاً/برای مثال/برای نمونه	۰	۰	۱۴	۰	۰	۱	۱۵
جمع کل گفتمان‌نماهای توصیفی	۲۸	۲	۹۸	۲۸	۳	۱	۱۷۴
گفتمان‌نماهای استنباطی							
۱. زیرا/چون/از این رو/چراکه/به دلیل	۶	۰	۱۴	۲	۱	۰	۲۳
۲. در مجموع/بر این اساس/پس/در این صورت	۲	۰	۶	۰	۴	۰	۱۲
۳. در واقع/به راستی/از قضا	۱	۰	۵	۲	۰	۰	۸
۴. باشد که/به همین سان	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۲
۵. بنابراین/در نتیجه	۱	۰	۱	۵	۲	۰	۸
جمع کل گفتمان‌نماهای استنباطی	۱۰	۰	۲۶	۱۰	۷	۰	۵۳
گفتمان‌نماهای توالی							
۱. آخرین/بالاخره/سرانجام	۲	۰	۰	۰	۳	۱	۶
۲. اینک/حالا/در اینجا/اکنون	۴	۳	۳	۰	۰	۲	۱۰
۳. نخست/اول/ابتدا	۱	۰	۲	۰	۰	۷	۱۰
۴. اندکی بعد/دوم/بعد/گام بعدی	۳	۰	۲	۰	۰	۰	۵
۵. از این پس/سپس/از آن پس	۳	۰	۱	۰	۰	۰	۴
۶. تازه/به تازگی	۲	۰	۱	۰	۰	۰	۲
۷. پیش از این/تاکنون	۲	۰	۱	۰	۰	۰	۲
جمع کل گفتمان‌نماهای توالی زمانی	۱۷	۳	۶	۶	۳	۱۰	۳۹
جمع کل گفتمان‌نماها در دهه ۹۰	۵۹	۱۸	۱۵۶	۶۹	۱۶	۱۶	۳۴۶

جدول ۵ نظام نقش‌ها در دهه ۹۰ را نشان می‌دهند. لذا بر اساس یافته‌های فوق، در این پژوهش اکتشافی یک الگوی طیف نقشی شش وجهی برای مدیریت گفتمان در گستره و حوزه نقد ترجمه کشف گردید. شکل شماره ۷ نظام این الگو را به نمایش می‌گذارد.



شکل ۱: الگوی طیف نقشی نشانگرها

#### ۴.۲. بحث و بررسی

در این پژوهش اکتشافی، یک الگوی شش وجهی طیف نقشی برای گفتمان‌نماها در مدیریت گفتمان نقد ترجمه کشف گردید. ابعاد آن مشتمل اند بر اطلاع‌رسانی، اعلان نظر، توالی علی و زمانی، تغییر موضوع، آغاز و پایان سخن که از یافته‌های پژوهش حاضر بوده و در کتب دستور و فرهنگ لغت‌ها بحث نشده‌اند. دلیل‌های گوناگونی برای این تنوع طیف نقشی در نظر گرفته شده‌است. احتمالاً یکی از علل آن این است که در فرایند نقد ترجمه منتقد با کاربرد پیچیده و خلاق زبان برای اثبات دیدگاه‌های خویش سروکار دارد و نیازمند ابداع و استفاده از این راهبردهای گفتمانی ششگانه است. این تفسیر با یافته‌های فیشر (Fisher, 2006) درباره تنوع طیف‌های نقشی گفتمان‌نماها در گفتمان همخوانی دارد. بخش دیگر اهمیت و اعتبار این یافته‌ها را می‌توان با استفاده از دو رویکرد گفتمان‌شناختی فراارتباطی<sup>۱</sup> و کاربردی‌شدگی<sup>۲</sup> توجیه و تحلیل نمود.

نخست، فرانک جاب (Frank-Job, 2006) با طرح رویکرد فراارتباطی، یعنی کاربرد خلاقانه و هدفمند زبان با روشی استنباطی، معتقد است که با تجزیه و تحلیل نقش منظورشناختی گفتمان‌نماها در بافت اجتماعی می‌توان نظام مدیریت گفتمان در اجتماع را کشف نمود. این امر

<sup>1</sup> metacommunicative

<sup>2</sup> pragmaticalization

فقط با تحلیل گفتار در بافت‌های واقعی ارتباطی، بررسی کاربردهای فراارتباطی منظم، و تحلیل مداوم متغیرهای ارتباطی گفتمان‌مدار<sup>۱</sup> موثر در این فرایند صورت می‌گیرد. بنابراین، روش دقیق تحلیل علمی و عینی نقش آن‌ها استفاده از داده‌های کاربردی زبان است. دوم اینکه اهمیت علمی این یافته‌ها را با تفسیر آن‌ها از منظر فرایند گفتمان‌شناختی کاربردی‌شدگی (Brinton, 2015; Crible & Degand, 2019) اثبات می‌شود. در چارچوب این فرایند، معنای گزاره‌ای گفتمان‌نماها به شدت متغیر است و از فردی به فرد دیگر، مکانی به مکان دیگر، و زمانی به زمان دیگر تغییر می‌یابد و سرانجام طیف نقشی چندگانه تعاملی گفتمان‌نماها را بوجود آورد. در این راستا آیمر (Aijmer, 2002) در کتاب خود با نام «گفتمان‌نماها از منظر یک پیکره» هم اثبات می‌کند که در کاربرد زبان، نقش گفتمان‌نماها متغیر است و بر اساس شرایط بافت اجتماعی نقش خود را پیوسته تغییر می‌دهند. بنابراین، این فرایند پیوسته تحت‌الشعاع استنباط‌های گوناگون، پیچیده، و خلاق افراد در تعامل‌های اجتماعی قرار دارد و در حال تغییر، گسترش، پیچیدگی، و نوآوری است.

همچنین، اعتبار و اهمیت علمی این یافته‌ها در مقایسه با پژوهش کاسترو (Castro, 2009) و فیشر (Fisher, 2006) نیز تأیید می‌شود. این پژوهشگران نتیجه گرفتند که گفتمان‌نماها در خدمت نشان دادن روابط منطقی، مکانی، یا زمانی بین واحدهای گفتمان بوده و به مخاطب کمک می‌کنند تا به درک درستی از گفتمان دست یابد. همچنین، این عناصر در خدمت مدیریت تبادل نوبت، تغییر موضوع، و نگرش افراد حاضر در گفتمان هستند. ولی، تفاوت یافته‌های آنان با پژوهش حاضر عدم کاربرد نقش‌های بینافردی در پژوهش حاضر است. فلسفه تفاوت این یافته‌ها و اهمیت آن‌ها در چیست؟ علت عمده این تفاوت ممکن است نخست ناشی از تفاوت پیکره‌ها باشد و دوم به تفاوت اهداف گوینده/ نویسنده هم مرتبط است که در مطالعه رچاردز (Richards, 2015) در قالب اهداف دوازده گانه نگارش بیان شده‌اند. این موضوع اهمیت تحلیل تفاوت شرایط و بافت‌های مختلف را اثبات می‌کند.

بخش دیگر اعتبار علمی این پژوهش اکتشافی با بیشترین توزیع فراوانی به نمایش طیف نقشی اطلاع‌رسانی مربوط است که در هر دهه نیز به صورت تصاعدی افزایش می‌یابد. گزارش مشابهی در یافته‌های پژوهشگرانی همچون هورن و هنسون (Horn & Hansoon, 1999)، فریزر (Fraser, 2006)، ردکر (Redeker, 2006)، حاجیمیا (Hajimia, 2018) و کاسترو (Castro, 2009) و نژادانصاری و محمدی (Nejadansari & Mohammadi, 2014) ارائه

<sup>1</sup> discursive



شده است. در این پژوهش‌ها، رتبه نخست متعلق به نقش اطلاع‌رسانی است. علت و اهمیت آن چیست؟ پژوهشگران (Aijmer, 1997, cited in Brinton, 2015; Brinton, 2006) بر این باورند که در مجموع نویسنده یا گوینده برای اثبات نظر خویش نیازمند ارائه اطلاعات است تا ذهن مخاطب را در مسیر اهداف خویش متمرکز و هدایت کند. فراتر از همه این مسایل، لويس (Lewis, 2006) تمایل کلی گفتمان‌نماها را تأکید بر انجام نقش اطلاع‌رسانی دانسته و بیان می‌کند که در هر شرایط و موردی گفتمان‌نماها به معرفی نظر و دیدگاه فرد می‌پردازند و در نتیجه نقش اصلی و اساسی بسیاری از گفتمان‌نماها اطلاع‌رسانی است.

همچنین، در دهه‌های ۷۰ و ۸۰، نقش توالی در جایگاه دوم قرار دارد. ولی در دهه ۹۰ توالی در جایگاه سوم است که در راستای گزارش نژادانصاری و محمدی (Nejadansari & Mohammadi, 2014) سون لی ویوین (Soon Lay Vivien, 2006)، و بیریا و مشهدی (Biria & Mashhadi, 2011) است. این جایگاه از نظر کارکرد منظورشناختی اهمیت بسیاری دارد. همچنین، تنوع طیف نقشی توالی هم در مدیریت گفتمان کمتر از اطلاع‌رسانی نیست. اهمیت استفاده از این نقش منظورشناختی در این سطح و با این گستردگی تنوع چیست؟ اعتبار علمی این بخش یافته‌ها در این است که پژوهشگر فرایند سلسله مراتب زمانی، مکانی، و علی پدیده‌ها را کشف می‌کند که تأثیر شگرفی در مدیریت تعاملات دارد. گروت (Groute, 2002) نیز توفیق تعامل‌ها را وابسته به بهره‌وری دقیق از گفتمان‌نماهای توالی و تحلیل نقش آن‌ها می‌داند. چرا که بدون استفاده از گفتمان‌نماهای توالی، سلسله مراتب فعالیت‌ها و کنش‌های زبانی مشخص نمی‌شود و انسجام ایجاد نمی‌گردد.

افزون بر این، جایگاه سوم طیف نقشی در پژوهش حاضر متعلق به اعلان نظر در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ است. در فرایند اعلان نظر، فرد رابطه بین خود و دیگران را نشان می‌دهد، نگرش خود و وابستگی به گروه و مجموعه را اثبات می‌کند، و رابطه بین مطالب پیشین و پسین را بیان می‌کند (Brinton, 2015; Muschler & Schiffrin, 2015). این موضوع اهمیت گسترده‌ای دارد، به این سبب که نقد بدون توانایی اعلان نظر نقد نیست و بدون آن گفتمان را ایجاد نمی‌شود. جایگاه چهارم در مطالعه حاضر به نقش اتمام سخن در دهه ۷۰ و تغییر موضوع در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ تعلق دارد. رتبه پنجم و ششم متعلق به نقش‌های تغییر موضوع و آغاز سخن در دهه ۷۰، به نقش‌های اتمام سخن و آغاز سخن در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ است. اهمیت این بخش نتیجه‌ها نیز در این است که تغییر موضوع لازمه کار منتقد است (Mithun, 2015)، چرا که او باید ابعاد گوناگون اثر را بررسی نماید. در بررسی آیمر (Aijmer, 2002) نیز این رفتارهای گفتمانی گزارش شده و

اعتبار یافته‌های این پژوهش را نشان می‌دهد.

اهمیت، اعتبار، و فلسفه این طیف‌های گسترده نقشی چیست؟ دلایل گوناگونی برای اثبات اعتبار علمی چند نقش گونگی گفتمان‌نماها ارائه شده‌است. فیشر (Fisher, 2006) و شفرین (Schiffrin, 2006) تفسیرهای گوناگون گفتمان‌نماها را نتیجه تعامل بین بافت، اهداف متغیر ارتباطی، ماهیت متغیر خود گفتمان‌نماها، ساختار سلسله مراتبی گفتار، تنوع پیکره‌ها، و حضور گفتمان‌نماها در قلمروهای مختلف گفتمانی می‌دانند. این موضوع نماد خلاقیت زبانی در چارچوب فرایند کاربردی‌شدگی است. همچنین، ردکر (Redeker, 2006) وجود نقش‌های مختلف را به عملکرد همزمان گفتمان‌نماها در قلمروهای اندیشگانی، بلاغی، و روابط توالی نسبت می‌دهد. در این راستا، والتریت (Waltereit, 2006) به این نتیجه می‌رسد که فرد به کمک راهبردهای بلاغی مختلف به دست‌کاری ساختار گفتمان می‌پردازد که نتیجه آن نمایش تفاسیر و خوانش‌های مختلف برای گفتمان‌نماهاست. ولی لويس (Lewis, 2006) اهمیت وجود نقش‌های مختلف را معرفی مدیریت بلاغی ساختار اطلاعات و سازماندهی مفاهیم می‌داند. از سوی دیگر، آیمر (Aijmer, 2006) فلسفه و اهمیت وجود نقش‌های چندگانه را معرفی نظام معرفت‌شناختی و عاطفی گوینده و نویسنده می‌انگارد. به باور زیوات (Zeevat, 2006) هم اهمیت نقش‌های مختلف را ایجاد روابط چندگانه گفتمانی تشکیل می‌دهد. هر چند، تراویس (Travis, 2006) اهمیت این پژوهش‌ها و یافته‌ها را نشان دادن روش‌های گوناگون ابهام‌زدایی از متن برای انتخاب تفسیر درست به شمار می‌آورد.

##### ۵. نتیجه‌گیری و کاربردهای آموزشی و پژوهشی

هدف این مطالعه اکتشافی تحلیل نظام مدیریت گفتمان منتقدین ترجمه از طریق بررسی نقش پرکاربردترین عناصر گفتمان‌مدار و فرازبانی-گفتمان‌نماها- با استفاده از الگوهای مطالعات گفتمان‌شناختی بود. نتیجه مطالعه کشف یک الگوی طیف نقشی شش وجهی برای مدیریت گفتمان در حوزه نقد ترجمه بود که به شناخت دقیق‌تری از طیف‌های نقشی گفتمان‌نماها منتهی شد. به باور پژوهشگران، اهمیت کاربردی گفتمان‌نماها- با وجود ظاهر تا اندازه‌ای ساده خود- در این است که نخست، مبانی اصلی شناختی، اجتماعی، کاربردی، و نظام کارآمد گفتمان‌مدار فرازبانی تعاملات انسانی را تشکیل می‌دهند (Haselow, 2019; Kassaei & Amoozadeh, 2020). دوم آنکه، شاخص‌های طبیعی ارتباطی، متنی، و پویای خلاق گفتمانی را معرفی می‌کنند (Fraser, 2006, 2013, 2015; Matei, 2010; Muller, 2005). سوم اینکه، روش‌های

عادی و نظام مند نحوه شکل گیری رفتار گفتمانی افراد در تولید، توزیع، و بهره‌وری از زبان را به نمایش می‌گذارند (Crible & Degand, 2019; Crible & Pascal, 2020). همچنین اهداف ویژه فرد در آفرینش گفتمان را نیز نشان می‌دهند (Dagand & Cuenca, 2019). در پایان، گفتمان‌نماها درک و تفسیر مخاطب را نیز هدایت و مدیریت می‌کنند (Schiffrin, 2006). بنابراین، لازم است پیشنهادها، استنباط‌ها و کاربردهای اجرایی، آموزشی، علمی، و پژوهشی زیر در تصمیم‌گیری‌ها، طراحی‌ها، و برنامه‌ریزی‌های گوناگون مورد توجه قرار گیرد. اهمیت یافته‌های این پژوهش و به تبع کاربردهای آن به روش‌های گوناگونی اثبات می‌شود. نخست، به باور (Helerman & Vergen, 2009) بسیاری از کتب درسی بحث گفتمان‌نماها را دنبال نمی‌کنند و معمولاً در کلاس‌ها نیز تدریس نمی‌شوند که مبتنی بر پیش فرض نادرستی را در برنامه‌ریزی‌های آموزشی است. به این معنی که زبان آموزان و دانشجویان در رشته‌های مختلف نقش‌های گفتمان‌مدار گفتمان‌نماها را به طور طبیعی فرا می‌گیرند و نیازی به آموزش و پژوهش در این حوزه نیست. هر چند، در واقع چنین نیست. به دلیل اینکه پژوهش‌های گوناگونی نشان می‌دهند که استفاده درست و دقیق از گفتمان‌نماها نظام‌مند و حساس به بافت اجتماعی است و به هیچ وجه تصادفی نیست (Kassaei & Amouzadeh, 2020). بنابراین، نتایج و یافته‌های این مطالعه اثبات می‌کند که این پیش فرض علمی نیست و لازم است در آن بازنگری شود. به دلیل این که گفتمان‌نماها پرکاربردترین و کارآمدترین عناصر فراگفتمانی هستند.

اهمیت علمی-آموزشی پیشنهاد کاربردی بالا را با دو مثال از حوزه‌های ادبیات و ترجمه در گستره فرایند کاربردی‌شدگی می‌توان اثبات نمود. شفیع کدکنی (Shafee kadcani, 2006) در تفسیر رفتار گفتمانی گفتمان‌نمای «و» در بیت زیر از حافظ: «دل و دینم شد و دلبر به ملامت برخاست / گفت با ما منشین کز تو سلامت برخاست» نتیجه می‌گیرد که رفتار منظورشناختی و او دوم در مصرع اول این بیت، نمایش فعالیت و کنش زبانی «دیدن» است. او آن را از ابداعات حافظ به شمار می‌آورد. این معنی در فرهنگ لغت‌های فارسی برای این گفتمان‌نما ارایه نشده است. بنابراین، در این متن خلاق شعری فرایند کاربردی‌شدگی اعمال شده است.

نمونه دوم برای اثبات کارایی علمی، آموزشی، و پژوهشی یافته‌های مقاله حاضر را از حوزه مطالعات ترجمه اقتباس می‌کنیم. در مقایسه ترجمه فریبا ریاضی با متن اصلی رمان کیمیا در کلاس یکی از محققان این پژوهش مشخص شد که واژه «and» انگلیسی در ترجمه فارسی به «تا» به معنای مدت زمان برگردان شده بود و بر اساس بافت کاربردی آن درست بود. بدین ترتیب، فرایند کاربردی‌شدگی در کار عملی ترجمه را نیز شاهد هستیم. نتیجه این که در حال حاضر، چنین

رویکرد، بهره‌برداری، و نگرش گفتمان‌شناختی و گفتمان پژوهانه در نظام برنامه‌ریزی آموزشی، اجرایی، و علمی خود نداریم. بنابراین، اهمیت آموزشی نتایج این پژوهش در این است که اثبات می‌کند که لازم است واحدهای جدید درسی در حوزه‌های گفتمان‌شناختی و منظورشناختی در برنامه‌ریزی آموزشی را از مقطع کارشناسی در بسیاری از حوزه‌های علوم انسانی بگجانیم. علاوه بر این، کاربرد علمی-پژوهشی دیگر نتایج مطالعه حاضر این است که بر اساس مباحث فوق، در گستره فرهنگ نگاری هم لازم است بازنگری صورت گیرد و در تدوین فرهنگ لغات نیز رویکردی خلاق، گفتمان‌شناختی، و پیکره-محور اتخاذ گردد.

بخش دوم، اهمیت و کارایی نتایج این پژوهش در این است که بخشی از نقاط ضعف نگارش منتقدین ترجمه را به نمایش می‌گذارد. یعنی اینکه برخی از طیف‌های نقشی گفتمانی و منظورشناختی توسط منتقدینی که خود اغلب (۷۵٪) مدرس ترجمه هستند، استفاده نشد. بنابراین، ضروری است در ابعاد مختلف آموزش و پژوهش در گستره نگارش تجدید نظر شود. علاوه بر این، بایسته‌است برنامه آموزشی مدونی در حوزه آموزش نقد ترجمه نیز ارائه شود تا رویکردی گفتمان‌شناختی در آن اتخاذ گردد. و بالاخره، علی‌رغم تغییر برنامه آموزشی رشته مطالعات ترجمه در مقطع کارشناسی در سال‌های اخیر، واحد درسی مخصوصی به این حوزه مهم اختصاص نیافته و درسی اختیاری با عنوان کیفیت سنجی ترجمه ارائه شده است که در اکثر دانشگاه‌ها درسی به نام زبان دوم هم وجود دارد که معمولاً به جای دروس اختیاری ارائه می‌شود. و در مقاطع ارشد و دکتری هم یک واحد درسی در این حوزه وجود دارد ولی فاقد رویکرد گفتمان‌شناختی است. از منظر نونان (Nunan, 2004) در گستره علوم مختلف هر برنامه آموزشی<sup>۱</sup> باید دارای ارکان زیر باشد: برنامه‌ریزی درسی<sup>۲</sup>، روش تدریس<sup>۳</sup> و ارزشیابی<sup>۴</sup>. رکن سوم این برنامه در حوزه مطالعات ترجمه هنوز جایگاه، نقش، و هویت خود را پیدا نکرده‌است. بنابراین، با توجه به این که هر یک از ارکان بالا دارای زیر مجموعه‌های گوناگونی هستند، وظیفه جامعه تحقیقاتی کشور تکمیل این فرایند مثلثی در گستره مطالعات ترجمه می‌باشد و یافته‌ها و نتایج چنین مطالعاتی می‌توانند در خدمت رسیدن به این اهداف علمی، آموزشی، و پژوهشی باشند.

یکی از محدودیت‌های این مطالعه در پیوند با پیکره آن است. اگر حجم پیکره آن گسترش یابد، ابعاد آن کامل‌تر و دقیق‌تر معرفی خواهد شد. در تحقیقات آینده می‌توان از تعداد بیشتری از نقدها و در بازه زمانی گسترده‌تری کار را انجام داد. همچنین، می‌توان از الگوهای و نظریه‌های

<sup>1</sup> curriculum development

<sup>2</sup> syllabus design

<sup>3</sup> methodology

<sup>4</sup> evaluation

دیگری استفاده نمود تا به یافته‌های جامع‌تری دست یافت. برای دست‌یابی به یافته‌های جامع‌تر در کشف طیف‌های نقشی می‌توان پیکره‌های دوزبانه یا چند زبانه نیز استفاده و مقایسه نمود. این رویکرد پژوهشی، شناخت و اطلاعات گفتمان‌مدار ما را از طیف‌های نقشی گفتمان‌نماها را کامل‌تر خواهد نمود.

### فهرست منابع

- جعفرپور، عبدالجواد (۱۳۷۴). «آزمون زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم». مترجم. شماره ۱۴. صص ۶۰-۶۵
- حسینی، حسن (۱۳۷۹). *مشت در نمای درشت*. تهران: سروش
- حسینی، صالح (۱۳۷۱). «معرفی ترجمه‌های برگزیده: ضد خاطرات». مترجم. سال ۲. شماره ۴. صص ۲۸-۲۲
- خزایی‌فر، علی (۱۳۷۱). «معرفی ترجمه‌های برگزیده: تام جونز». مترجم. سال ۲. شماره ۷. صص ۴۹-۳۲
- خزایی‌فر، علی (۱۳۷۴). «ماجراهای شرلوک هلمز». مترجم. شماره ۱۹. صص ۵۶-۶۰
- خزایی‌فر، علی (۱۳۸۴ الف). «چنین گفت زرتشت». مترجم. شماره ۴۱. صص ۴۷-۳۹
- خزایی‌فر، علی (۱۳۸۴ ب). «در هزار تو». مترجم. شماره ۴۰. صص ۳۸-۳۴
- خزایی‌فر، علی (۱۳۸۴ پ). «خاطرات پس از مرگ پراس کویاس». مترجم. شماره ۳۰. صص ۳۴-۴۰
- خزایی‌فر، علی (۱۳۸۴ ت). «بهشت گم شده». مترجم. شماره ۴۰. صص ۲۹-۲۴
- سالاری، زهرا (۱۳۹۶). *داستان دو شهر*. مترجم. شماره ۵۸. صص ۱۱۶-۱۰۹
- شفیعی کدکنی، محمد (۱۳۸۵). *موسیقی شعر*. تهران: آگاه
- صالحی، علیرضا (۱۳۹۴). «نقد دو ترجمه از فلسفه اخلاق». *اخلاق علوم تربیتی و روان‌شناسی*. شماره ۱. صص ۵۲-۳۸
- صیاد کوه، اصغر و آسیه رئیسی (۱۳۹۶). «کارکردهای گسترده واو در گلستان سعدی». *هنر زبان*. دوره ۲. شماره ۱. صص ۵-۳۲
- فانی، کامران (۱۳۸۷). «ترجمه‌ای دوران‌ساز». مترجم. شماره ۴۸. صص ۵۸-۵۱
- فرهادی، سمانه (۱۳۹۴). «نگاهی به ترجمه جدید کمدی الهی». مترجم. شماره ۵۸. صص ۱۴-۱۵۶
- فقیه ملک مرزبان، نسرین (۱۳۸۷). «شور عطف (در بررسی نشانه «و» عطف درصد غزل از سعدی)». *مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء<sup>(س)</sup>*. دوره ۱۷. شماره ۶۸-۶۹. صص ۱۴۵-۱۶۸
- کوثری، عبدالله (۱۳۷۴). «نگاهی به ترجمه عشق سال‌های ویا». مترجم. شماره ۱۷. صص ۸۴-۹۱
- کوثری، عبدالله (۱۳۹۵). «ترجمه‌های خان‌بختیاری». مترجم. شماره ۶۱. صص ۳۲-۲۳
- محمدی، علی محمد (۱۳۹۴). «درآمدی بر نظام مدیریت گفتمان: نظریه‌ها، مدل‌ها، راهبردها و پژوهش‌ها». *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*. دوره ۵. شماره ۱. صص ۵۲-۳۴

## References

- Abdolkhani, M. & Alipour, S. (2015). A contrastive study of discourse markers between Iranian and American physics lectures. *International Journal of Language Learning*, 8(1), 204-218.
- Adeyemi, B. (2018). Discourse markers in writing and answering essay type questions. *International Journal of Learning, Teaching and Research*, 17(7), 106-119.
- Aijmer, K. (2002). *English discourse particles: Evidence from a corpus*. Amsterdam: Johan Benjamins.
- Azadi, G. & Chalak, E. (2017). The frequency of Macro/Micro discourse markers in Iranian EFL learners' composition. *International Journal of Education*, 6(1), 20-40.
- Biria, R. & Mashhadi, M. (2011). Socio-pragmatic functions of discourse markers in international law texts. *Theory and Practice in Language Studies*, 1(11), 1479-1487.
- Brinton, L. J. (1996). *Pragmatic Markers in English: grammaticalization and discourse functions*. New York: Mouton de Gruyter.
- Brinton, L. J. (2015). Historical Discourse Analysis, In N. Tanen, T. Hamilton, and D. Schiffrin. (Eds.), *The Handbook of Discourse Analysis* (pp. 222-242) Oxford: Blackwell.
- Castro, C. M. (2009). The use and functions of discourse markers in EFL classroom interaction, *Profile*, 11, 57-77.
- Crible, L. & Cuenca, M. (2019). Co-occurrence of discourse markers in English: From juxtaposition to composition, *Journal of Pragmatics*, 140(5), 171-184.
- Crible, L. & Degand, L. (2019). Domains and functions: a two-dimensional account of discourse markers, *Discours*, 4(5), 15-30.
- Crible, L. & Pascual, E. (2020). Combinations of discourse markers with repairs and repetitions in English, French and Spanish, *Journal of Pragmatics*, 5(7), 54-67.
- Dagand, L. & Cuenca, M. J. (2019). Discourse Marker use: from production to comprehension. Workshop proposal for the 53rd SLE Conference Bucharest (Romania), 26 - 29 August 2020. Retrieved from <<http://sle2020.eu/downloads/workshops/Discourse%20Marker%20use.pdf>>
- Faghih Malek Marzban, N. (2008). The Functions of Conjunctions, *Olum Ensani Alzahra*, 17(68-69), 145-168 [In Persian].
- Fani, K. (2009). A Glorious Translation, *Motarjem*, 48, 51-58 [In Persian].
- Farhady, S. (2015). A New Look at Divine Comedy, *Motarjem*, 58, 141-156 [In Persian].
- Farhady, H. (2009). *Research Methods in Applied Linguistics*, Tehran: SAMT.
- Fisher, K. (2006). *Approaches to Discourse Particles*. Amstersam: Elsevier.
- Frank-Job, B. (2006). A dynamic-interactional approach to discourse markers. In K. Fischer (Ed.), *Approaches to Discourse Particles* (pp. 359-375). Oxford: Elsevier.
- Fraser, B. (2006). Towards a theory of discourse markers. In K. Fischer (Ed.), *Approaches to Discourse Particles* (pp. 240-256). Oxford: Elsevier.
- Fraser, B. (2013). Combinations of Contrastive Discourse Markers in English, *Journal of Pragmatics* 30(7), 112-121.
- Fraser, B. (2015). The combining of Discourse Markers – A beginning, *Journal of Pragmatics*, 86(7), 123-138.
- Groute, B. (1998) Representing temporal discourse markers for generation purposes. In The association for Computational Linguistics (Eds.), *Discourse Relations*

- and Discourse Markers (pp. 22-29). 15 August 1998. Montreal, Canada. Retrieved from <<https://www.researchgate.net/publication/2416454>>.
- Hajimia, H. (2018). A corpus based analysis of discourse markers in Malaysian online news paper articles. *Journal of Research in Humanities and Social Sciences*, 5(1), 19-24.
- Haselow, A. (2019). Discourse marker sequences: Insights into the serial order of communicative tasks in real-time turn production. *Journal of Pragmatics*, 146, 1-18. doi: 10.1016/j.pragma.2019.04.003.
- Hellermann, J., & Vergun, H. (2007). Language which is not taught: The discourse marker use of beginning adult learners of English. *Journal of Pragmatics*, 39(1), 157-179.
- Horn, A. & Hansson, P. (1999). Discourse markers and the segmentation of discourse. *Lund University Working Papers*, 47(5), 123-139.
- Horn, A. & Hansson, P. (1999). Discourse markers and the segmentation of discourse. *Lund University Working Papers*, 47(5), 123-139.
- Hoseini, S. (1992). Introducing selected translations, *Motarjem*, 7, 22-28 [In Persian].
- Hoseini, H. (2000). *Mosht Dar Nemaye Dorosht*. Tehran: Soroush [In Persian].
- Hyland, K. (2005). *Metadiscourse: Exploring Interaction in Writing*. London: Continuum.
- Jafarpor, A. (1995). Testing English as a second language, *Motarjem*, 14, 60-65 [In Persian].
- Jucker, A., & Ziv, Y. (1998). *Discourse Markers: Description and Theory*. Amsterdam: John Benjamins.
- Kassaei, Gh. & Amouzadeh, M. (2020). The combination of Discourse Markers in Persian. *International Review of Pragmatics*, 12(1), 135-163.
- Khazaefar, A. (1994). Tom Jones, *Motarjem*, 7, 32-49 [In Persian].
- Khazaefar, A. (1995). The stories of Sherluck Holmz, *Motarjem*, 19, 56-60 [In Persian].
- Khazaefar, A. (2005a). Zerost is talking, *Motarjem*, 41, 39-47 [In Persian].
- Khazaefar, A. (2005b). In Hitherto, *Motarjem*, 30, 34-38 [In Persian].
- Khazaefar, A. (2005c). Memories after death, *Motarjem*, 30, 34-40 [In Persian].
- Khazaefar, A. (2005d). The Lost Paradise, *Motarjem*, 40, 24-29 [In Persian].
- Kosari, A. (1995). A study of a translation, *Motarjem*, 17, 84-91 [In Persian].
- Kosari, A. (2016). Translations of Bakhtyari, *Motarjem*, 61, 23-32 [In Persian].
- Lewis, M. (2006). Discourse markers in English: a discourse-pragmatic view. In K. Fischer (Ed.), *Approaches to Discourse Particles* (pp. 43-61). Oxford: Elsevier.
- Manan, A. & Raslee, A. (2018). Explicit discourse marker instruction to improve coherence and cohesion. *International Journal of Research*, 10(6), 60-81.
- Maschler, Y. & Schiffrin, D. (2015). Discourse Markers: Language, Meaning, and Context. In N. Tanen, T. Hamilton, and D. Schiffrin. (Eds.), *The Handbook of Discourse Analysis* (pp. 179-221) Oxford: Blackwell.
- Matei, M. (2010). Discourse markers as functional elements. *Buletine of the Transilvania University of Brasov*, 25-42.
- Mithun, M. (2015). Discourse and Grammar. In N. Tanen, T. Hamilton, and D. Schiffrin. (Eds.), *The Handbook of Discourse Analysis* (pp. 32-45). Oxford: Blackwell.
- Mohammadi, A. M. (2015). An Introduction to Discourse Monitoring System: Theories, Models, Strategies, and Researches. *Journal of Foreign Language Research*, 5(1), 61-86 [In Persian].

- Muller, S. (2005). *Discourse Markers in Native and Non-native English Discourse*. Amsterdam: John Benjamins.
- Naderi Moghaddam, S. (1390). Myane Mandan o Raftan, *Motarjem*, 6, 159-165 [In Persian].
- Nejadansari, D. & Mohammadi, A. M. (2014). The frequencies and functions of discourse markers in the Iranian University EFL classroom discourse. *International Journal of Research Studies in Language Learning*, 4(2), 1-18.
- Nunan, D. (2004). *Second language teaching and learning*. London: Newbury House.
- Petkhova, B. & Bant, H. (2009). Towards a multidimensional semantics of discourse markers in spoken dialogue. In H. Bunt, V. Petukhova and S. Wubben (Eds.), *Proceedings of the eighth international conference on computational semantics (IWCS-8)* (pp. 157-168), Tilburg: Tilburg University. Retrieved from <<https://dl.acm.org/doi/pdf/10.5555/1693756.1693773>>
- Redeker, G. (2006). Discourse markers as attentional cues at discourse transitions. In K. Fischer (Ed.), *Approaches to Discourse Particles* (pp. 339-357). Amstersam: Elsevier.
- Richards, J. C. (2015). *Key issues in Language Teaching*. London: CUP.
- Salari, Z. (2012). The story of two cities. *Motarjem*, 58, 109-116 [In Persian].
- Salehi, A. (2013). Criticism of two translations. *Akhlagh Olum Tarbeyati*, 1, 38-52 [In Persian].
- Sami, P. (2019). On a discourse marker combination in spoken American English: 'Oh Well' as a case study. *Journal of Pragmatics*, 39(7), 109-130
- Sayadkooh, A., & Reisi, A. (2017). Functions of Vav in Golestan. *Honar Zaban*, 1(2), 5-35.
- Schiffrin, D. (1987). *Discourse markers*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Schiffrin, D. (2006). Discourse marker research and theory: revisiting and. In K. Fischer (Ed.), *Approaches to Discourse Particles* (pp. 315-339). Amstersam: Elsevier.
- Seliger, H. & Shohamy, E. (1989). *Second Language Research*. Oxford: OUP.
- Shafee Kadkani, M. (2006). *Poerty Music*. Tehran: Aghah [In Persian].
- Soon Lay Vivien, L. (2006). A relevance-theoretic approach to discourse particles in Singapore English. In K. Fischer (Ed.), *Approaches to Discourse Particles* (pp. 149-167). Amstersam: Elsevier.
- Tavakoli, M. & Karimnia, H. (2017). Dominant and gender specifi tendencies in the use of dixcourse markers. *World Journal of English Language*, 7(2), 20-37.
- Travis, C. (2006). The Natural Semantic Metalanguage approach to discourse markers. In K. Fischer (Ed.), *Approaches to Discourse Particles* (pp. 219-243). Amstersam: Elsevier.
- Trillo, R. J. (2002). The pragmatic fossilization of discourse markers in non-native speakers of English. *Journal of Pragmatics*, 4(34), 769-784.
- Waltereit, R. (2006). The rise of discourse markers in Italian: a specific type of language change. In K. Fischer (Ed.), *Approaches to Discourse Particles* (pp. 61-77). Amstersam: Elsevier.
- Ziaghadam, F. & Simin, S. (2018). Speech-like pragmatic markers in essays by Iranian students and native English speakers. *International Journal of Foriegn Language and Research*, 6(21), 133-146.
- Zeevat, H. (2006). A dynamic approach to discourse particles. In K. Fischer (Ed.), *Approaches to Discourse Particles* (pp. 133-149). Amstersam: Elsevier.
- Zorluel, H. & Okan, Z. (2018). Discourse markers in EFL classrooms: A copuse driven research. *Journal of Language and Linguistic Studies*, 14(1), 50-66.



## A Discoursal Analysis of Functional Spectrum of Discourse Markers in Translation Criticism: Pedagogic and Research Implications

Ali Mohammad Mohammadi<sup>1</sup>  
Rahim Dehghan<sup>2</sup>

Received: 24/05/2020  
Accepted: 02/09/2020  
Article Type: Research

### Abstract

Establishing coherence in discourse is an interactive process that is activated through different types of communicative knowledge and skills. Part of this knowledge includes knowledge of the text to organize grammatical and lexical forms to convey meaning. Another part of this faculty is connected to the metalanguage level. It consists of the power to express personal and social identities, to use language to express attitudes and negotiate meaning, and the cognitive ability to manipulate ideas (Maschler and Schiffirin, 2015). Discourse markers (DMs) function in all of the above cognitive, expressive, social, and textual domains and operate as metacommunicative and metadiscursive elements (Frank-job, 2006). Consequently, they become devoid of semantic meaning due to their sensitivity to contextual variables in real-life situations and assume new interactive pragmatic behaviors and strategies known as pragmaticalization in discourse (Jucker & Ziv, 1998). Therefore, their real precise and comprehensive uses, functions, and strategies can mainly be explored within the framework of communicative purposes and interactive contexts. Accordingly, some researchers have come to the idea that analysis of a functional spectrum of discourse markers in social contexts is the most practical and useful method of investigation (Crible & Degand, 2019; Frank-job, 2006; Groute, 2002; Hyland, 2005; Trillo, 2009). As a result, the researchers tried to analyze translation criticism in the Persian language in terms of the types and the frequency of DMs functions.

This descriptive, qualitative, and explorative study benefits from various scientific and research informing bases and resources: the study of famous and key authors' theoretical studies, investigation of key empirically corpus-based researches, and pragmatic analysis of the functional spectrum of discourse markers in randomly selected translation criticism corpus in the Persian language during the

---

<sup>1</sup> Assistant professor, Department of English Language and Literature, Arak University, Arak, Iran (corresponding author); a-mohammadi@araku.ac.ir

<sup>2</sup> Instructor, Department of English Language and Literature, Arak University, Arak, Iran; r-dehghan@araku.ac.ir

three last decades. Moreover, the present study applied Fraser's (2006) taxonomy of discourse markers and Brinton's (1996) functional model for the analysis of discourse markers. The taxonomy of discourse markers provides the criteria for the determination of DM use from non-DM use of these metadiscursive elements in translation criticism discourse. And the functional model is applied to discover the functional range of DMs in this genre. Another informing resource of the research was its raters. Both raters were English instructors with 5 years of experience in teaching, familiar with the literature, have conducted researches in this area, and possessed the necessary expertise.

The corpus consisted of 15 translation criticisms written by Iranian translation professors (75%) and professional translators (25%) published in Motarjem, the Iranian journal with more than 30 years of experience in translation theory, analysis, and education. Moreover, the corpus consisted of more than 30000 words selected randomly. All of the instances of DMs' use were determined and sorted by applying Fraser's taxonomy of discourse markers and DMs functional spectrums were analyzed and explored through Brinton's functional model. And about 50% of the instances of the DMs along with their functions in the sentence were extracted and given to the raters to approve the reliability of the research.

The findings resulted in a six-plane functional spectrum model for a discourse monitoring system in the translation criticism genre including information indicators, topic switchers, attitude markers, temporal markers, opening markers, and closing markers. They are not covered in Persian grammar and dictionaries. Also, the correlation coefficient of inter-rater reliability was .61, which is an acceptable index of reliability. The diversity and flexibility in the functional spectrum can be justified from different perspectives. Subsequently, in the process of translation criticism DMs are manipulated creatively in order to prove the inadequacies of the translation or to characterize the qualifications of the rendering. This justification is in line with findings and ideas reported by Fischer (2006). Moreover, justification for this flexibility is related to Frank-job's (2006) view of pragmaticalization of meaning in discourse. That is, in real-life situations, the propositional meaning of discourse markers is changed drastically, they assume pragmatic meanings, and these meanings change based on context. This context covers cognitive, expressive, social, and textual domains. These domains are manipulated by contextual variables. These variables include people, places, and times. DMs' functional spectrums manipulated by the variables and they assume new interactive meanings in discourse. This functional spectrum may constantly be influenced by multiple, complex, innovative, and creative inferences and is always changing, developing, and evolving systematically. As DMs form the basic cognitive, social, cultural, and efficient discursive system of human communication, then, it is recommended that any modifications, developments, and plans in education, research, and management in various aspects of translation education be based on research on the pragmatic functions of these metalanguage elements.

**Keywords:** Discourse Markers, Functional Spectrum, Pragmaticalization, Translation Criticism